

کشف عوامل مؤثر بر طلاق در ازدواج‌های زودهنگام: یک مطالعه کیفی نظاممند

حامد حیدری^۱^{ID}, سید علی کیمیایی^۲^{ID}, غلامرضا خویی‌نژاد^۳, علی مشهدی^۴

مقاله پژوهشی

چکیده

زمینه و هدف: طلاق به عنوان یک آسیب اجتماعی در سال‌های اخیر در ایران و دنیا افزایش یافته است. محققان علل مختلفی را برای آن ذکر نموده‌اند از جمله: اختلافات شدید اعتقادی، تربیت‌های متفاوت، خصوصیات شخصیتی ناسازگار و... که به تعارض و درنهایت طلاق ختم می‌شود. هدف از این پژوهش کشف عوامل مؤثر بر طلاق در ازدواج‌های زودهنگام بود.

مواد و روش‌ها: مطالعه حاضر مبتنی بر رویکرد کیفی و از نوع گراند تئوری است. بدین منظور ۲۰ نمونه به روش مبتنی بر هدف انتخاب شدند. جهت جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه‌های عمیق و باز استفاده شد. متن مصاحبه‌ها ضبط گردید و پس از مکتوب‌سازی با روش کدگذاری باز، محوری و گزینشی که Strauss و Corbin در کتاب خود معرفی کرده است، تجزیه و تحلیل شد. به منظور افزایش اعتبار داده‌ها از قضاویت ارزیابان نیز استفاده شد.

یافته‌ها: از مجموع یافته‌های این مطالعه، چهار مفهوم اصلی که بیان گر ساختار تعارض بودند، استخراج شد. این مفاهیم شامل: اجتماعی، خانوادگی، اقتصادی و شخصیتی بودند. نتایج تحقیق که با کمک کدگذاری باز، محوری و انتخابی مشخص شد، نشان داد که عوامل و زمینه‌هایی چون سن نامناسب، ازدواج از روی اجبار، عدم درک نقش زن و مرد، تفاوت شخصیتی و فرهنگی، مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی ناکارآمد، مسائل اقتصادی، دخالت اطرافیان، نبود شبکه حمایتی، انتظارات غیرواقعی از همسر، برآورده نشدن نیازها، سردرگمی هویت، هیجانات منفی و عدم ابراز هیجانات، الگوی ارتباط منفی والدین، آشفتگی خانوادگی، تفاوت فاحش بین زوجین (تحصیلی، ظاهری، خانوادگی، شخصیتی)، دلستگی نایمن و عدم انعطاف روان‌شناختی، تعارض و طلاق را تسریع می‌کند.

نتیجه‌گیری: به نظر می‌رسد که بهره‌مندی زوجین از مشاوره قبل از طلاق و آگاهی و شناخت از خود و جنس مخالف و تصمیم‌گیری مسئولانه و بالغانه می‌تواند نقش مهمی در موفقیت ازدواج داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: مشاوره، طلاق، ازدواج زودهنگام.

ارجاع: حیدری حامد، کیمیایی سیدعلی، خویی‌نژاد غلامرضا، مشهدی علی. کشف عوامل مؤثر بر طلاق در ازدواج‌های زودهنگام: یک مطالعه کیفی نظاممند. مجله تحقیقات علوم رفتاری، ۱۳۹۸، ۱۷(۲)، ۳۲۳-۳۱۴.

پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۵/۲۵

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۳/۲۵

۱- دانشجوی دکتری، گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد، مشهد، ایران.

۲- دانشیار، گروه روانشناسی مشاوره و تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

۳- استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

۴- دانشیار، گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

نویسنده مسئول: دکتر سید علی کیمیایی Email: kimiae@um.ac.ir

مقدمه

طلاق از جمله آسیب‌های اجتماعی است که روابط افراد، ساختار خانواده و جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد (۱). طلاق شیوه‌ای از ابراز نارضایتی اجتماعی و مشاجره بین دو شریک است (۲). طلاق یکی از آسیب‌های اجتماعی جامعه است که علاوه بر نهاد خانواده تمامی افشار جامعه بهنوعی درگیر عوارض سوء آن هستند (۳). پژوهشگران برای مدت طولانی، طلاق را همچون واقعی مانند تولد، مرگ، از دست دادن شغل، ترفیع، نقل مکان و ازدواج، به عنوان یک حادثه پر دغدغه در زندگی به حساب می‌آورند. از این‌رو طلاق به عنوان یکی از منابع استرس‌زای مهم، می‌تواند ساختهای شناختی افراد را دچار اختلال کرده و آنان را در استفاده از شیوه‌های مقابله با استرس با انبوهی از مشکلات مواجه سازد (۴). عوامل اجتماعی مانند سطح تحصیلات، طبقه و حمایت اجتماعی، شغل و مذهب نقش چشمگیری در ازدواج و بطور آن سلامت جسمی و روانی دارند و نقش آن‌ها بر روی عواملی چون خشونت علیه زنان مورد ارزیابی قرار گرفته است (۵). از این زاویه، انتظار می‌رود که افراد مطلعه با خاتمه ازدواج و بروز طلاق و به دنبال آن طی سال‌های بعد از طلاق با توده‌ای از فشارهای روانی مواجه شوند (۶). طلاق به عنوان یک آسیب اجتماعی در سال‌های اخیر در ایران و دنیا افزایش یافته است. محققان علل مختلفی را برای آن ذکر نموده‌اند: اختلافات شدید اعتقادی، تربیت‌های متفاوت و خصوصیات شخصیتی ناسازگار، باعث برخوردها و تنشهایی می‌گردد که به تعارض و درنهایت طلاق ختم می‌شود (۷). همچنین ازدواج زودهنگام با افزایش خطر ابتلا به طلاق در ارتباط است و ازدواج در سنین پایین مشکلات اقتصادی، اجتماعی، شخصیتی، خانوادگی و حتی باروری را به همراه دارد (۸,۹).

درنتیجه بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند یکی از مهم‌ترین فاکتورها و پیش‌بینی کننده‌های ازدواج، سن افراد است (۱۰). پژوهش‌ها نشان می‌دهد کسانی که زود ازدواج می‌کنند فقد آشنایی با نقش‌های زناشویی هستند و این عدم آگاهی منجر به عدم شکل‌گیری صمیمیت و درنتیجه بی‌ثباتی زناشویی می‌شود (۱۱). همچنین نارضایتی و تعارض می‌تواند ناشی از ناهم‌ماهیگی زن و شوهر در نوع نیازها و روش ارضاء آن، خودمحوری، اختلاف در خواسته‌ها، طرح‌واره‌های رفتاری و رفتار غیرمسئولانه

مواد و روش‌ها

این پژوهش از نوع کیفی بود که با توجه به هدف مطالعه با رویکرد زمینه‌ای (Grounded theory) در سال ۹۶-۹۷ انجام شد. جامعه آماری مطالعه متشکل از تمامی زنانی است که زیر ۱۸ سال ازدواج کرده‌اند و به دادگاه شهرستان کاشمر در استان خراسان رضوی چهت طلاق مراجعه نموده‌اند؛ بدین‌صورت که بر اساس معیارهای مشارکت‌کنندگان، افرادی که غنی از اطلاعات بوده، توانایی برقراری ارتباط و تمایل به بیان اطلاعات خود داشتند به عنوان مشارکت‌کنندگان انتخاب شدند. مطالعه با نمونه‌گیری مبتنی بر هدف (متاسب با پژوهش کیفی) شروع شد و جمع‌آوری اطلاعات تا رسیدن به غنای لازم و به عبارتی اشیاع اطلاعاتی ادامه یافت. جمع‌آوری اطلاعات به صورت میدانی و با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاری‌یافته صورت گرفت. هر یک از مصاحبه‌ها با سوال باز آغاز می‌شد و سوالات پیگیری با توجه به اطلاعاتی که شرکت‌کننده ارائه می‌داد، چهت روشن شدن مفهوم موردمطالعه مطرح می‌شد. مصاحبه‌ها حدوداً بین ۳۰ تا ۹۰ دقیقه طول کشید که روی نوار ضبط می‌شد. پس از پیاده

ثبت، رعایت اصل رازداری و محترمانه بودن اطلاعات و حفظ حق کناره‌گیری در هر مرحله از پژوهش بود.

یافته‌ها

شرکت‌کنندگان در پژوهش شامل ۲۰ نفر با دامنه‌ی سنی ۳۳-۱۱ بودند. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش کدگذاری که Corbin و Strauss از مجموع یافته‌های این پژوهش تعداد زیادی کد مفهومی استخراج شد که در چهار مفهوم محوری اجتماعی، شخصیتی، اقتصادی و خانوادگی قرار گرفت (جدول ۱).

در این مرحله محقق سعی نمود حداقل کدهای ممکن متناسب با داده‌ها را تشخیص داده و با انجام مقایسه دائمی داده‌ها و با تعامل مستمر با داده‌ها، کدهای تکراری مشخص و کدهای قابل ترکیب با یکدیگر ادغام شوند. در ادامه دسته‌بندی کدها صورت گرفت و زیرطبقات شکل گرفت. با ادامه روند مقایسه مداوم بین زیرطبقات و دسته‌بندی زیرطبقات مشابه، طبقاتی با مفاهیم انتزاعی‌تر در قالب طبقات اصلی شکل گرفت. در مطالعه حاضر در مرحله کدگذاری محوری بر اساس روش Corbin و Strauss ارتباط بین طبقات و زیرطبقات با استفاده از ابزاری به نام پارادایم که متمرکز بر شرایط علی، مداخله‌گر و زمینه‌ای، پدیده، استراتژی‌های کنش/کنش متقابل و پیامدها می‌باشد، برقرار گردید. جدول ۲ تاییج کدگذاری محوری مطالعه حاضر را بر اساس مصاحبه‌های کیفی نشان می‌دهد.

Corbin و Strauss کردن آن‌ها بر روی کاغذ، اطلاعات با تحلیل گردید (۱۵). بدین صورت که ابتدا در کدگذاری باز یا سطح اول مفاهیم مرتبط با مطالعه مشخص شدند و کدهایی به آن‌ها اختصاص داده شد. سپس کدهای اصلی از لحاظ تشابه و تفاوت جهت ایجاد طبقات مقایسه گردید و کدهایی که معنای یکسان داشتند در یک طبقه قرار گرفتند و طبقات بر اساس ویژگی‌ها و ابعادشان توسعه داده شدند. در کدگذاری محوری، روابط طبقات با زیرطبقات مشخص شد و طبقات بر اساس نیازها و مشکلات خاص توسعه داده شد و به کدهای انتخابی ویژه متهمی شد. به‌منظور اطمینان از دقت داده‌ها علاوه بر روش‌هایی چون مرور و تأیید مطالب توسط شرکت‌کنندگان، اعتبار پژوهشگر و وابستگی یافته‌ها، تلفیق در روش‌های جمع‌آوری داده‌ها و به کارگیری نظرات تکمیلی همکاران استفاده شد. همچنین نمونه‌گیری از افراد و یا شرایط متفاوت ادامه یافت و از پدر و مادر زوجین و نمونه‌گیری نظری تا زمان اشباع ادامه دعوت به مطالعه شد و نمونه‌گیری خدمات حمایتی نیز یافت و بدین ترتیب در طی نمونه‌گیری علاوه بر زوجین و خانواده‌هایشان، به‌منظور اطمینان از دقت داده‌ها و جهت حداقل تعمیم‌پذیری یافته‌های حاصل از پژوهش کیفی امام جمعه، فرماندار، ریاست دادگستری، دادستان، ریاست بهزیستی، ریاست آموزش و پرورش و مشاوران خانواده مورد مصاحبه قرار گرفتند. ملاحظات اخلاقی این پژوهش شامل کسب رضایت آگاهانه از مشارکت‌کنندگان در پژوهش و ضبط مصاحبه‌آنان، عدم درج نام مصاحبه‌شوندگان، امانت‌داری در انتقال متون مصاحبه از ضبط به

جدول ۲. کدگذاری محوری با مقوله اصلی تنش و طلاق

علت ساختاری	طبقات
شخصیتی	سردرگمی هویت، سن نامناسب، تفاوت فاحش جسمی- روانی بین زوجین، عدم درک نقش زن و مرد، برآورده نشدن نیازها، هیجانات منفی و عدم ابراز هیجانات، عدم شناخت از خود و جنس مخالف، نداشتن مهارت و پنخگی، عدم انعطاف روان شناختی دخالت اطرافیان و ازدواج از روی اجراء، تفاوت شخصیتی و فرهنگی، نقش و جایگاه، احساس قربانی، نبود شبکه حمایتی و کاهش سرمایه اجتماعی درون خانواده
اجتماعی	الگوی ارتباط منفی والدین، فضای نایمن و آشتنگی خانوادگی، چرخه خانوادگی، دلیستگی
خانوادگی	نایمن
اقتصادی	عدم ثبات، تجمل گرایی، توقعات مادی و نبود مدیریت درآمد

جدول ۱. کدگذاری باز داده‌ها

مفهوم استخراج شده	مفاهیم
برآورده نشدن نیازها و ترس از آینده	هنوز منو با اسم صدا نکرده، بیشتر شبها با لباس بیرون می‌خوابه، میگه چرا چاقی، میگه چرا موهات کوتاهه، زمان‌های کمی رو باهم می‌گذرانیم، میگه به من احترام نمی‌داری، لوندی بلد نیستی، دوست داره بیشتر با دوستاش بره بیرون و تفریح، خیلی و قته صحابه در کنار هم نخوردیم، اولش خوشحال بودم شوهر کردم اما وقتی می‌دیدم همش دلخوره، با خودم فکر کردم که نکنه انتهای راهه، یا نکنه دیگه رنگ خوشی را نبینیم هرچند تو این مدت هم ندیده بودیم، چون بالآخره تازه عروس داماد بودیم دیگه.
نارضایتی از روابط عاطفی و زناشویی	خیلی ازم ایراد می‌گیره، فکر می‌کنم قیلاً دوست دختر زیاد داشته، گاهی اسم اونارو صدا میزنه، منو با دیگران مقایسه می‌کنه، سردی رابطه‌مون خیلی چیزا رو تحت تأثیر قرار داده، احساس می‌کنم داره ازم دور میشه، توجهی که به دیگران داره به من نداره، سرشار از احساسه اما برای من احساسی نداره، انگار نه انگار منم آدم.
مسائل اقتصادی	میگه ولخرجی، الکی بربز پاش داری، خونه بابات چی داشتی، پول علف خرس نیست، کوری نمی‌بینی اوضاعم خرابه، حیفش میاد پول خرج کنه، آدم خسیسیه.
دخالت اطرافیان	فکر می‌کنم همه چیز از گور اوون داداشش در میاد، اونه که موش میدونه تو زندگی‌مون، چشم دیدن مارو نداره، تا وقتی که حرف و حدیث نیاشه زندگی‌مون آروم، انگار دیگران برای زندگی‌مون تصمیم می‌گیرن، جلوی خانواده همسرم تحیر می‌شم، همه کارام زیر ذریبینه، نمیدونم باید به چند نفر جواب پس بدم.
نداشتن مهارت زناشویی و زندگی	عینک بدیبینی رو چشماشه، منو درک نمی‌کنه، سخت میشه باهاش حرف زد، دوست داره حرف خودش باشه، حرف و عملش یکی نیست، نمیدونه چطور باید با همسرش رفتار کنه انگار من رفیقاشem، دائم میگه اینکارو بکن اون حرفون نزن، به حرفام گوش نمیده، دوست داره برنده بحث باشه و منو شکست بدده، توهین میکنه، بد دهن، کلاً انگار بحث کردن را دوست داره، فکر کنم تو عمرش نخنديده، همش قهر میکنه، زود بهش بر میخوره.
کاهش سرمایه اجتماعی درون خانواده	بهش شک می‌کنم، حرف که میزنه فکر می‌کنه میخام مچش رو بگیرم، خیلی وقت‌ها میخام درست رفتار کنم نمیشه، دنبال آتو هستم ازش تا سر برنگاه از خودم دفاع کنم، ساز مخالف میزنه، میگه اصن هر کار دوست داری بکن، من چشم‌چارانی میکنم تو هم حجاب نداشته باش، اصن هر کی کار خودشو بکنه و به دیگری گیر نده.
عدم انعطاف روانشناختی تفاوت‌های فردی و فرهنگی	هر کی برای خودش غذا می‌خوره، یک روز حرف می‌زنیم ده روز نه، خونه که همش جنگ اعصابه، دیگه آرامش نداریم، نمیدونم چرا داریم به این زندگی لعنتی ادامه می‌دیم، تا میخایم حرف بزنیم دعوا میشه و تا فکر می‌کنیم به گذشته فقط تاریکی بوده و تاریکی. این طور بزرگ شده، داداشش همینطورون، منو با دیگران مقایسه میکنه، بدیخت من تو را فقط تحمل می‌کنم، از اول همه میگتن این‌ها در شان تو نیستن من جدی نگرفتم، فکر میکنه عقل کله و خیلی میفهمه، تغیری‌هاش با دیگرانه غم‌هاش برای ماست، به نظرات من اهمیت نمیده، توقعات بیجا داره، انگار من نوکرم اون ارباب، من نش نمی‌شدم بیتر بود از همون قماش خودشون گیرش میومد.
سن نامناسب و عدم بلوغ همه جانبه	من شبکه پویا نگاه می‌کردم گفتن امشب آماده باش میخای عروس بشی، دوستان عروس بودن داخل مدرسه منو زهرا مجرد بودیم منم شوهر میخاستم، خب از لحظاً بدنه خیلی بزرگ بودم همه میگفتن فاطمه چالالو، بهم می‌گفتن ترشیده، پیردخت کی میاد تو را بگیره بدیخت، دختر خاله و دختر عموماً هم عروس شده بودن، خواهشم دو سال از من بزرگتره عروس شده، برای خواهر کوچکترم خواستگار میومد من باید عروس می‌شدم.

با توجه به فهم خود از متن، پدیده موردمطالعه با چارچوب در این تحقیق علت‌های تعارض در بین زوجین عبارت بود از: اجتماعی، خانوادگی، اقتصادی، شخصیتی. در زیر به توضیح برخی از کدهای انتخابی که به فهم بیشتر علت‌های تعارض کمک می‌کند اشاره می‌شود.

نیود مهارت‌های ارتباطی: زندگی مشترک تحت تأثیر عوامل زیادی قرار می‌گیرد که پاره‌ای از آن‌ها ممکن است زوجین را به سمت خاصی سوق دهد. پژوهش‌های مختلف نشان داده است که یکی از مهم‌ترین عوامل مشکل‌آفرین، اختلال در

کدگذاری انتخابی: هدف تئوری زمینه‌ای تولید نظریه است نه توصیف صرف پدیده‌ها. برای تبدیل تحلیل‌ها به نظریه باید طبقه‌ها به طور منظم به یکدیگر مربوط شوند. کدگذاری انتخابی (بر اساس دو مرحله قبلی کدگذاری) مرحله اصلی نظریه‌سازی است. به این ترتیب که طبقه محوری را به شیوه‌ای سازمان یافته به دیگر طبقه‌ها پیوند می‌دهد و آن رابطه را در چارچوب یک روایت ارائه می‌کند و طبقه‌هایی را که به پیشود و توسعه بیشتر نیاز دارد اصلاح می‌کند. در این مرحله پژوهشگر الگوی پارادایم را به صورت نظریه نهایی آن بیان می‌کند (۱۶).

تا حالا نشده غرور منو جلو خانوادش حفظ کنه (مصاحبه یکی از زوجین).

تفاوت‌های فردی و فرهنگی: افراد هر یک برخاسته از خاستگاه خانوادگی منحصر به فرد هستند. بیشتر پژوهش‌ها بر تأثیر تجربیات خانواده بر شخصیت و رفتار افراد تأکید می‌کنند. روانشناسان معتقدند افرادی که روابط خوبی را در خانواده مبدأ تجربه کرده‌اند به احتمال زیاد در بزرگ‌سالی ارتباط خوبی با دیگران دارند. به عبارتی رفتار والدین بر بچه‌ها اثر می‌گذارد و بهنوعی آن‌ها این الگو را در آینده به کار می‌برند؛ بنابراین اساس زندگی که حاصل جمع دو خانواده ناهمگون باشد می‌تواند بستر ساز اختلافات زیادی بین زوجین باشد.

«رفتارش مثل بایشه، نمیدونه چطور باید با من رفتار کته با اینکه میدونه و بارها گفتم چه چیزهایی منو ناراحت میکنه ولی بازم به رفتارش ادامه میده، از اون بدتر که گاهی اصلاً نمیفهمه رفتارهاش زنده است و نمیدونه کجا چه حرفهایی بزنه چه حرفهایی نزنه، انگار در پنجاه سال قبل زندگی میکنه»
دانش‌آموز از مدرسه به خانه می‌رود، قبل سلام می‌گوید
مادر برایم خواستگار نیامده؟
اینجا اگر دختر تا دیبرستان ازدواج نکند پیردختر است (مصاحبه یکی از زوجین).

مسائل اقتصادی: بخش مهمی از اختلافات زناشویی به مسائل اقتصادی بر می‌گردد، توقعات مادی زیاد و گاهی ناهمگون، هزینه‌های بیجا و عدم مدیریت درآمد، نظام خانواده را با خطرات جدی رو برو می‌کند. از سوی دیگر تجمل طلبی و غرق شدن در مادیات و احساس بی‌نیازی هم به رفتارهای ناسازگارانه می‌انجامد.

«همش بهم می‌گه من برم جون بکنم تو هم بخور و بخواب و فقط خرج کن و آرایش کن و بزر کن برو تو خیابون حال کن، انگار بول علف خرسه» (مصاحبه یکی از زوجین).

دخلالت اطرافیان و نبود شبکه حمایتی: هر چه افراد خانواده دخلالت دیگران را در زندگی خویش پذیرا باشند، بیشتر بینان خانواده را در معرض از هم‌گسیختگی و انحلال قرار می‌دهند.
دخلالت اطرافیان باعث دلسربی افراد از زندگی می‌شود و تا جایی پیش خواهد رفت که سیک زندگی خانواده تحت سیطره

ارتباط یا به عبارتی اختلال در فرآیند تفہیم و تفاهم است. هرچند ممکن است ارتباط ضعیف یکی از نتایج تنفس زناشویی باشد، نبود مبادله اطلاعات ممکن است خود حل اختلافات و تنفس را به تأخیر بیندازد و احتمال دارد که ارتباط ضعیف، نارضایتی زناشویی را تقویت کند. اغلب مشکلات زناشویی از نداشتن و یا به کار نبستن مهارت‌های ارتباطی ناشی می‌شود. توانایی حل مسئله از جمله مهارت‌های سازنده‌ای است که می‌تواند مشکلات همسران را کاهش دهد. همچنین آگاهی زوجین از طبیعی بودن اختلاف‌های زن و شوهر و نگریستن به تعارض به عنوان یک مسئله و چالش برای حل کردن مشکل نه تهدید زیان‌بار می‌تواند در حل اختلاف‌های آن‌ها کمک بسزایی را شامل شود.

نارضایتی از روابط عاطفی و جنسی: رضایت زناشویی یکی از عوامل مهم بر سلامت و از مهم‌ترین شاخص‌های رضایت از زندگی است که بر سلامت روان زوجین تأثیر می‌گذارد و متقابلاً نقش زیادی در کمتر شدن میزان تعارض‌ها بین همسران دارد. همسرانی که به یکدیگر علاقه دارند و نیازهای یکدیگر را برأورده می‌کنند بهتر می‌توانند مشکلات خود را برطرف نمایند.

«راستش وقتی که همسرمن از لحظه روحی و عاطفی به من توجه می‌کنه یا روابط خصوصی خوبی با هم داریم اثرش تا مدت‌ها روی من باقی می‌ماند و کمتر پیش می‌بینمون تنفس ایجاد بشه» (مصاحبه یکی از زوجین).

برآورده نشدن نیازهای نیازهای: نیاز به عشق ورزیدن تنها دلیل ازدواج دو نفر نیست. طبیعی است که هر یک از زوجین نیازهایی دارند که در صورت نادیده گرفتن سبب ایجاد مشکلاتی در روابط می‌شود؛ زیرا هر یک برای برآورده شدن نیاز خود به طرف مقابل فشار می‌آورد و این خود آغاز تعارضات است. آنها کم کم از تصور آرمانی که در ذهن خود از همسرشان داشته‌اند، فاصله می‌گیرند و به همین دلیل است که زوجین گاهی به هم می‌گویند: «تو با آن چیزی که من فکر می‌کردم خیلی فاصله داری».

گاهی نیاز به تنها‌ی دارم؛ اما همش کلید می‌کنه چی شده؟ گاهی انتظار دارم از من و کارهایم تشکر کنه؛ اما انگار نه انگار.

همراه ندارد. در طلاق عاطفی شکل خانواده حفظ می‌شود اما از درون متلاشی می‌شود. در این حالت زوجین تعهدی در برابر وظایفشان نسبت به یکدیگر احساس نمی‌کنند، نسبت به یکدیگر سرد می‌شوند و درواقع به‌اجبار (بچه یا ترس از آبرو) با یکدیگر زندگی می‌کنند. برخلاف طلاق رسمی که در آمارها بیان می‌شود این مدل پنهان است و نمی‌توان آمار دقیقی ارائه کرد، چهسا شمار زیادی را شامل باشد. این مدل از طلاق حاصل تعارضات زوجین است که بدون داشتن شرایط ازدواج تن به ازدواج داده‌اند.

«من از هفته اول فهمیدم شوهرم دوستم نداره، جسمش پیش من بود حواسش نمیدونم کجا، ما فقط داریم میگذرؤونیم بینیم آخرش چی میشه، هرچند مهم هم نیست ما به اجرای خانواده‌ها داریم این زندگی را ادامه میدیم و گرنه ما خیلی وقتی از هم جدا شدیم و حسی به یکدیگر نداریم» (صاحبہ یکی از زوجین).

بحث و نتیجه‌گیری

افزایش فروپاشی و تعارض در خانواده از چالش‌های اساسی خانواده معاصر است. از چند روش می‌توان به مفهوم‌سازی طلاق اقدام کرد. ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین راه این است که معنی لغوی آن را به معنای گشودگی و رهایی مدنظر قرار دهیم. بدین معنا که طلاق پایان زندگی تأهلی است. طلاق قطع رابطه زوجین توسط دادگاه و در زمان معین است. اگرچه طلاق عبارت است از انحلال نکاح اما این طرز تلقی نارسا است چراکه طلاق پدیده‌ای روان‌شناختی و اجتماعی است که تبیین و مفهوم‌سازی آن نیز متأثر از عوامل جامعه‌شناختی و روان‌شناختی است (۱۶)؛ چنانکه برای مشارکت کنندگان این پژوهش، طلاق برگرفته از تجارب درک شده‌ای است که به‌طور عینی و ذهنی با آن روپر بوده‌اند. این در حالی است که تعداد کمی از شرکت کنندگان، طلاق را معادل لغوی آن «جدایی دو نفر» یا معادل تعریف قانونی آن دانسته‌اند. یافته‌های به‌دست آمده از تجارب مشارکت کنندگان، طلاق را یک فرآیند می‌دانند که عوامل زیادی در آن دخیل است و دارای اثرات مثبت (آزادی و رهایی) و منفی (احساس شکست و دید نامناسب جامعه) است.

دیگران خواهد بود و باعث سلب آرامش و تعارضات پایدار بین خانواده‌ها و تهدیدات جدی برای ادامه زندگی مشترک می‌شود.

«رفتار بعضی از افراد خانواده شوهرم خوبه مثل پدرشوهرم، اما مادر شوهرم و برادران شوهرم هم‌ش در زندگی ما دخالت می‌کنند. برای همسرم تعیین تکلیف می‌کنند، انگارنه‌انگار که پسرشان بزرگ شده و مستقل است» (صاحبہ یکی از زوجین).

درگیری لفظی و فیزیکی: زمانی که اختلاف شدت گرفت، سوءتفاهم‌ها نیز بیشتر می‌شود. هر یک از زوجین سعی در دفاع از رفتار خود دارد و در صدد است خود را بی‌گناه و دیگری را مقصراً جلوه دهد. اینجاست که حرمت‌ها کم کم شکسته می‌شود و به خشونت و تهمت و افترا و زدوخورد کشیده می‌شود.

«یکبار داشتیم عادی حرف می‌زدیم و عکس‌ها را داخل گوشی نگاه می‌کردیم که من یک عکس را پاک کردم شوهرم بسیار عصبانی شد و گوشی را به دیوار کوبید و فریاد زد: بدون اجازه من چرا عکس را پاک کردی؟ هرچی لذیل آوردم بیشتر بهانه می‌گرفت و هرجی از دهنش در میومد به من گفت. آخر سر من هم گفتم هرجی باشم از خواهرت بهترم اون هم مشتی به من زد» (صاحبہ یکی از زوجین).

کاهش سرمایه اجتماعی درون خانواده: در ساختار خانواده هنگامی که ارزش‌ها و هنجارها مورد احترام و عمل قرار نگیرد، خانواده دچار کاهش سرمایه می‌شود. زمانی که منافع فردی بر منافع خانوادگی مقدم می‌شود، روابط بین زوجین مختلف و به بی‌اعتمادی و عدم مشارکت در امور زندگی و مدیریت صحیح و برنامه‌ریزی منجر می‌شود و درنهایت موجبات اختلال در نظام کارکرد خانواده را فراهم می‌سازد.

«اون خودخواهه، فقط به خودش فکر میکنه، بگذریم فکر کردن بهش هم حالم را خراب میکنه» (صاحبہ یکی از زوجین).

طلاق عاطفی: زمانی که اختلافات شدت گرفت و طرفین در حل اختلافات به نتیجه نرسند نسبت به یکدیگر بی‌اعتنای شوند و هر یک روشی را که باب میل خویش است در پیش می‌گیرد. این مسئله با تعریفی که از ازدواج و خانواده وجود دارد منافات دارد؛ بنابراین ارزش‌های خانواده و اصولی که برایش تعریف شده نادیده گرفته می‌شود و پیامد خوبی برای زوجین به

می‌رسیدند و حتی فرآیند هویت‌یابی خیلی سریع‌تر اتفاق می‌افتد، ولی امروزه با پیشرفت تکنولوژی و افزایش انتظارات همسران از رابطه زناشویی و ازدواج و به‌طور کلی تفاوت معنایی که امروزه افراد برای ازدواج و کارکردهایش نسبت به گذشته دارند، به مهارت‌های بسیاری برای ورود به رابطه زناشویی نیاز دارند (۲۱). در گذشته ازدواج و حتی فرزند آوری یک هدف بود، ولی امروزه ازدواج وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف دیگر است، امروزه افراد نسبت به نیازهای خودآگاهی بیشتری یافته‌اند و اساساً نیازهای بیشتر و گستره‌تری را هم ادراک و هم ارضای آن‌ها یا کمک به ارضای آن‌ها را از ازدواج و رابطه زناشویی مطالبه می‌کنند، بنابراین نسبت به گذشته رسیدن به بلوغ و پختگی و ثبات نسبی قبیل ازدواج و انتخاب آگاهانه نقش بسیار مهم‌تری در یک ازدواج موفق و عدم وجود آن به عدم توفیق ازدواج دارد.

در بعد مفهوم اقتصادی، از نگاه پژوهشگر با توجه به همه این موارد جامعه ایران سرشار از استرس‌های گوناگون است و یا زمینه‌ساز استرس است. از یکسو استرس‌ها و فشارهای اقتصادی از دیگر سو فشاری که به افراد جامعه به دلیل عبور از سنت به مدرنیته و در پی آن تغییرات گسترده‌ای که در نهادها و هنجارهای مختلف اجتماعی- اقتصادی به وجود می‌آید و منجر به تغییر در نهاد خانواده و هنجارهای آن می‌شود. جنبه دیگری که باید آن را در نظر داشت این است که زندگی در جامعه‌هایی که بی‌ثباتی‌های فراوان دارد و به نیازهای افراد پاسخ‌گو نیست و بیشتر در نقش یک والد دیکتاتور عمل می‌کند که مدام بازداری می‌کند و سرشار از مطالبه‌گری است، خود نیز منبع نایمنی است، گویی افراد دلستگی نایمن به جامعه خود دارند و همان‌طور که تاکنون بیان کردیم این نایمنی‌ها می‌تواند با انتخاب‌های هیجانی و واکنشی ارتباط داشته باشد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های Tebes (۲۲) و Masarik (۲۳) و همکاران همسو است. یافته‌های این بخش از تحقیق با نظریه Collins و Kltrans همخوانی دارد، که عنصر فشار اقتصادی را در تضاد و تعارض خانوادگی مهمن و مؤثر می‌داند.

مشاوره پیش از طلاق یکی از حوزه‌هایی است که کمود رویه‌های علمی روشن و عملیاتی، به شدت در آن احساس می‌شود. برخلاف حوزه‌های دیگر که وجود نظریه‌های متعدد و

در این مطالعه، چهار مفهوم اصلی (خانوادگی، شخصیتی، اجتماعی، اقتصادی) بیان گر ساختار اصلی تعارض بودند که عامل سن در همه آن‌ها حائز اهمیت است.

در بعد مفهوم خانوادگی، از عوامل مربوط به طلاق در این پژوهش می‌توان به نداشتن الگوی مناسب زوجین در خانواده مبدأ، سنت‌ها و مذهب، عدم صمیمیت و همدلی، عدم تاب‌آوری و انعطاف‌پذیری روانشناختی، عدم شناخت درست از خود و جنس مخالف، نگاه سطحی و گاهی رویایی به ازدواج اشاره کرد. درنتیجه بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند یکی از مهم‌ترین فاکتورها و پیش‌بینی کننده‌های ازدواج سن افراد است (۱۸، ۲۰، ۲۱، ۲۲). بلوغ به عنوان یک توضیح چندبعدی از رابطه و کمک کننده به تداوم ازدواج پایدار است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که زود ازدواج می‌کنند فاقد آشنایی با نقش‌های زناشویی هستند و این عدم آگاهی منجر به عدم شکل‌گیری صمیمیت و درنتیجه بی‌ثباتی زناشویی می‌شود (۱۱).

در بعد مفهوم شخصیتی، سن پایین در هنگام ازدواج یکی از دلایل اصلی طلاق در این پژوهش بود، مخصوصاً زمانی که ازدواج اجباری یا از روی اجبار یا مصلحت‌اندیشی باشد. تبیینی که برای این یافته می‌توان در نظر گرفت این است که افراد در سنین پایین هنوز فرآیند هویت‌یابی را طی نکرده‌اند و تصویر روشی نسبت به آنچه از ازدواج، همسر و زندگی زناشویی می‌خواهند ندارند و یا اگر دارند امکان تغییر آن بسیار زیاد است. به عنوان مثال یکی از شرکت‌کنندگان می‌گوید: «من سنه کم بود، عقلمن نمی‌رسید، تازه بعد چند سال فهمیدم این اون چیزی نیست که من از زندگی می‌خوام». بنابراین ممکن است افراد در ابتدا نیز با رضایتمندی وارد ازدواج شده باشند ولی پس از گذشت چند سال احساس عدم رضایت نسبت به انتخاب خود داشته باشند. می‌توان گفت این افراد یک دوره رشدی را به خوبی پشت سر نگذاشته‌اند که می‌تواند دوره‌های بعدی را نیز با مشکل مواجه سازد.

در بعد مفهوم اجتماعی، عوامل دیگری که ازدواج در سن پایین را مخاطره‌آمیز می‌سازد، عدم آمادگی و پختگی لازم برای ازدواج و عدم مهارت‌های لازم برای زندگی زناشویی است. شاید در گذشته مهارت‌های زیادی برای ورود به زندگی زناشویی لازم نبود و افراد خیلی سریع‌تر و در سنین پایین تر به این مهارت‌ها

بهره‌مندی زوجین از مشاوره قبل از ازدواج و آگاهی و شناخت از خود و جنس مخالف و تصمیم‌گیری مسئولانه و بالغانه می‌تواند نقش مهمی در موفقیت ازدواج داشته باشد.

تقدیر و تشکر

مطالعه حاضر برگرفته از نتایج پایان‌نامه دانشجوی مقطع دکتری مصوب دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد بود. بدین‌وسیله از مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، استاد راهنمای، مشاور داور، مسئولین ادارات شهرستان، تمامی مشاوران و شرکت‌کنندگان در این پژوهش و تمامی افرادی که در انجام این تحقیق مرا یاری نمودند، تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

نتایج پژوهش‌های انجام‌گرفته گزینه‌های عملی زیبادی پیش روی متخصصان قرار داده است، گزینه‌های مشاوره پیش از طلاق بسیار محدود است. علی‌رغم اینکه این حوزه از ادبیات پژوهشی غنی برخوردار است فرآیند کاربرد نتایج این پژوهش‌ها به شیوه‌ای ملموس و عملیاتی به‌ویژه در بافت فرهنگی اجتماعی کشور ما بهخوبی توصیف نشده است. این پژوهش با کمک رویکرد داده‌بنیاد در صدد بود تا به افراد کمک کند الگوهای منتقل شده از نسل‌های قبلی را شناسایی و با بینش حاصل شده واکنش‌پذیری هیجانی خود را مهار کنند، دیدگاهی عینی به مسائل و مشکلات اتخاذ کنند و به سمت تصریح هویت خود در بافت خانواده حرکت کنند و درنهایت مدل مناسی را با توجه به فرهنگ جامعه ارائه دهد تا نه تنها از آمار طلاق بکاهد بلکه زندگی سعادتمندانه‌ای برای زوجین فراهم سازد. به‌طور کلی

References

1. Amato PR. The consequences of divorce for adults and children: An update. *Društvena istraživanja: časopis za opća društvena pitanja*. 2014 Mar 1;23(1):5-24.
2. Adams M, Coltrane S. Framing divorce reform: Media, morality, and the politics of family. *Family Process*. 2007 Mar;46(1):17-34.
3. Ueda R, Yanagisawa K, Ashida H, Abe N. Executive control and faithfulness: only long-term romantic relationships require prefrontal control. *Experimental brain research*. 2018 Mar 1;236(3):821-8.
4. Aberoei M. Examine the predictors of divorce among couples. Isfahan: University of Isfahan; 2009.
5. Ansari Hooria, Farajzadegan Ziba, Al-Dirani Sobhi, Heidari Kamal. Omidi Razieh, Amini Zahra, Jafari Koshki Tohid. The Attitude of High School Students in Isfahan Province on Addictive Substance and its Relationship with Social and Health Effects. *Journal of Isfahan Faculty of Medical*. 2018. 494-501(479) 36: 1397.
6. Yilmaz AE, Fi § iloglu H. Psychometric properties of the Fisher Divorce Adjustment Scale in a turkish divorced sample. *Journal of Divorce & Remarriage*. 2006 May 31;45(1-2):149-69.
7. Malouff JM, Thorsteinsson EB, Schutte NS, Bhullar N, Rooke SE. The five-factor model of personality and relationship satisfaction of intimate partners: A meta-analysis. *Journal of Research in Personality*. 2010 Feb 1;44(1):124-7.
8. Myers J, Harvey R. Breaking vows: Early and forced marriage and girls education. Plan UK Because I am a Girl Campaign. Retrieved from <http://www.becauseiamagirl.org> [accessed in Pulau Pinang, Malaysia: 9th October 2012]. 2011 Jun.
9. Uthaug MV. *The Relationship Between Narcissistic Traits and Attitude Towards Infidelity* (Doctoral dissertation, Empire State College). 2016.
10. Amato PR. The consequences of divorce for adults and children. *Journal of marriage and family*. 2000 Nov;62(4):1269-87.
11. Lampard R. Age at marriage and the risk of divorce in England and Wales. *Demographic Research*. 2013 Jul 1;29:167-202.

12. Mo W. The divorce culture and picture books for young children. International Journal of Early Childhood. 2007;39(2):23.
13. Hamilton KA. The effects of marital conflict and marital environment on change in marital status. 2013.
14. Dolan FE. Re-reading Rape in "The Changeling". Journal for Early Modern Cultural Studies. 2011 Apr;1:4-29.
15. Juliet C, Anselm S. Basics of qualitative research: techniques and procedures for developing grounded theory. Thousand Oaks, CA. 1998.
16. Samal S, Gupta U, Dhadwe K, Gupta N. epidemiological study of male infertility indian medical gazette. 2012; 174-80.
17. Shah siyah M, Bahrami F, Mohebi S. The survey of correlation between sexual satisfaction and sexual health. Journal of Principle of Psychological Health. 2010;11:233-8.
18. Graham SM, Negash S, Lambert NM, Fincham FD. Problem drinking and extradyadic sex in young adult romantic relationships. Journal of Social and Clinical Psychology. 2016 Feb;35(2):152-70.
19. Tangney JP, Baumeister RF, Boone AL. High self-control predicts good adjustment, less pathology, better grades, and interpersonal success. Journal of personality. 2004 Apr;72(2):271-324.
20. Sarkar P. Determinants and effect of early marriage in Bangladesh, 2007. Research Journal of Applied Sciences. 2009;4(5):178-84.
21. Charles P, Jones A, Guo S. Treatment effects of a relationship-strengthening intervention for economically disadvantaged new parents. Research on Social Work Practice. 2014 May;24(3):321-38.
22. Tebes JM. Contextual Factors and Environmental Differences Between Couples Divorce Compromised and not Compromise. Aula Orientalis. 2015;1:7-10.
23. Masarik A, Conger R, Martin M, Ferrer E. Intergenerational Transmission of Romantic Relationship Risk and Resilience to Economic Pressure. Conference: Society for Prevention Research 22nd Annual Meeting. 2013.

Discovering the Factors Affecting Divorce in Early Marriages: A Systematic Qualitative Study

Hamed Heidari^{ID1}, Seyed Ali Kimiae^{ID2}, Gholamreza Khoyinejad³, Ali Mashhadi^{ID4}

Original Article

Abstract

Aim and Background: Divorce as a social injury has increased in recent years in Iran and worldwide. Researchers have cited a variety of causes, including: severe belief differences, different upbringings, maladaptive personality traits, etc. which lead to conflict and eventually divorce. The purpose of this study was to explore the factors that influence divorce in early marriages.

Methods and Materials: In this research, Grand Theory method, one of the qualitative research methods, was used. For this purpose, 20 samples were selected by purposive method. Depth and open interviews were used to collect data. The transcripts were transcribed and then analyzed using the open, fundamental, and selective coding method introduced by Corbin in his book. Evaluators' judgment was also used to increase the validity of the data.

Findings: From the findings of this study, four main concepts were identified that illustrated the structure of conflict. These included: social, family, economic, personality. The results of the study, characterized by open, fundamental, and selective coding, showed that factors such as inappropriate age, forced marriage, lack of understanding of the role of men and women, personality and cultural differences, inadequate social and communication skills, economic issues, Interference, lack of support network, unrealistic expectations of spouse, unmet needs, identity confusion, negative emotions and lack of emotion, negative parental communication pattern, family turmoil, gross differences between couples (school, appearance, family, personality) Insecure attachment and psychological inflexibility accelerate conflict and divorce.

Conclusions: It seems that couples' enjoyment of pre-marriage counseling and awareness and understanding of themselves and the opposite sex and responsible and mature decision-making can play an important role in success of marriage.

Keywords: Counseling, Divorce, Early Marriage.

Citation: Heidari H, Kimiae SA, Khoyinejad Gh, Mashhadi A. Discovering the Factors Affecting Divorce in Early Marriages: A Systematic Qualitative Study. J Res Behav Sci 2019; 17(2): 314-323.

Received: 2019.06.15

Accepted: 2019.08.16

1- PhD Candidate, Department of Educational Sciences, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

2- Associate Professor, Department of Education and counseling Psychology, Faculty of Educational Science and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

3- Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

4- Associate Professor, Department of Psychology, Faculty of Educational Science and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

Corresponding author: Seyed Ali Kimiae Email: kimiae@um.ac.ir